

### نبنینی باغبان چون گل بکارد...

اجازه دهید کلام را با چند بیت زیبا از فخرالدین اسعد گرگانی آغاز کنم؛ آنجا که می‌سراید؛

نبنینی باغبان چون گل بکارد  
چه مایه غم خورد تاگل بر آرد؟

به روز و شب بود بی صبر و بی خواب  
گهی پیراید او را که دهد آب

گهی از بهر او خوابش رمیده  
گهی خارش به دست اندر خلیده

به امید آن همه تیمار ببند  
که تا روزی بر او گل بار ببند

باغبان زمانی که می‌خواهد باغچه‌ای را سبز و آباد کند، چه بسیار زحماتی را متحمل می‌شود و رنج‌ها در سرما و گرما بر جان می‌خرد تاگل برآرد و شکوفایی و زیبایی را به انسان و طبیعت عرضه کند. بر این اساس، هریک از ما وظیفه داریم در دوران زندگی خویش نقشی در زیبا شدن دنیا و شکوفایی هرچه بیشتر استعدادهای محیطی ایفاکنیم و به‌اصطلاح، دین خود را به جامعه اداکنیم که بخش درخورتوجهی از این مهم در فرزندآوری و تربیت شایسته و مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی و اسلامی است. وقتی شکوفا شدن و برآمدن یک گل، چنین مشقاتی برای باغبان دارد، تربیت یک انسان شایسته و به ثمر رساندن وی در راه فلاح و صلاح به‌مراتب پیچیده‌تر، سخت‌تر و نیازمند صبوری و خویشتن‌داری بیشتری است و چون تربیت در ظرف زمان مشخصی به نتیجه می‌رسد، بی‌شک صبر جزء جدایی‌ناپذیر آن است.

با الهام از مظاهر طبیعت، فرزند صالح همچون گل زیبا و باطراوتی است که خانواده و زندگی را زیبا می‌کند و طراوت می‌بخشد؛ همان‌گونه که پیامبر اعظم (ص) می‌فرمایند: «فرزند صالح، گلی از گل‌های بهشت است». پدرها و مادرهای قدیم صبورانه و مهربانانه برای تربیت و پیشرفت ما هرآنچه در توان داشتند، در طبق اخلاق و اخلاص به پای تربیت فرزندانشان می‌گذاشتند و اکنون نوبت ماست که این چنین باشیم و نسلی شایسته برای جامعه فردا تربیت کنیم. باتوجه به پیچیدگی‌های محیط امروزی و سرعت مهارنشدنی فناوری و نظام‌های ارتباطی، این مهم با سختی بسیار بیشتری محقق می‌شود، پس بی‌شک به آگاهی، صبر، عقلانیت و مهربانی مضاعف و چندین برابری نیاز است. خانواده، سنگ بنای جامعه است و با خانواده سالم و متعالی می‌توان به جامعه پیشرو و سالم امیدوار بود. پدرها و مادرها می‌توانند با تعمیق اندیشه‌های صحیح و انسانی از روش‌ها و تکنیک‌های متناسب با سن فرزندان، استفاده و آن‌ها را در مسیر شایسته و وارسته تربیت کنند.

در این راستا، نقش «صبر» به‌عنوان یک اصل، در تمام این شیوه‌ها و تعالیم تربیتی، برجسته و بسیار مهم است. تاآنجا که می‌توان آن را «کلید طلایی تربیت» نامید. صبر به معنای مقاومت انسان در برابر سختی‌ها، ناامنی‌ها و ناکامی‌هاست، به‌نحوی که از آن‌ها شکایت نداشته باشد. خداوند در آیه ۱۳۲ سوره مبارک طه می‌فرماید: «خانواده خود را به نماز دستور ده و بر انجام آن صبور باش. ما از تو روزی نمی‌خواهیم؛ ما به تو روزی می‌دهیم و عاقبت نیک در تقواست». گاهی والدین به علت کم‌صبری و کم‌حوصلگی با فرزندانشان به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که روان کودک را خدشه‌دار می‌کند و امور تربیتی را مختل می‌سازد. گاهی یک کلمه حرف نامناسب یا پیام منفی باعث تحقیر شخصیت فرزند شما می‌شود، پس لازمه برقراری ارتباط سالم با فرزندان، داشتن حوصله و صبر است؛ چون نداشتن سعه صدر باعث می‌شود آستانه تحمل فرزندان پایین بیاید و درنتیجه این افراد در آینده نمی‌توانند عناصر مفیدی برای جامعه باشند.

فرزندان، صبر والدین خود را به خوبی درک می‌کنند و هیچ عیبی مانند بی‌صبری بر سر راه تربیت نیست؛ البته این صبوری همواره کار آسانی نیست و در واقعیت اتفاقاتی رخ می‌دهد که صبر والدین لبریز می‌شود. آن‌گاه که کودکی برای یک خواسته کوچک، ساعت‌ها گریه می‌کند یا زمانی که با وجود آگاهی بخشی و دادن تذکرات مکرر در جمع، رفتاری می‌کند که نباید و نمونه‌های دیگر از این دست، زمان آزمون صبر برای والدین است. باید صبوری را بشناسیم، تمرین کنیم و در طول زندگی به‌خصوص در امور تربیتی برای موفقیت و سلامت از آن بهره بگیریم.

#### بردار و بخوان

## نیایش‌ها و ستایش‌های نهج‌البلاغه

گفت‌وگو کردن برای خودش آدابی دارد و حتی به‌عنوان رشته‌ای تخصصی، آموزش داده می‌شود، مثل اصول گفت‌وگوی مؤثر و مهارت گفت‌وگوی سالم یا حتی نمونه‌هایی مثل هنر گفت‌وگو، راه‌های پیروز شدن در مباحثه و... وقتی ما برای گفت‌وگوی بین خودمان و افراد اجتماع به‌طور روزمره می‌توانیم در کلاس شرکت کنیم و آداب بیاموزیم، درمورد نحوه گفت‌وگو با خدای متعال هم می‌توانیم راه‌روش مؤثری بیابیم تا هم بدانیم چطور صحبت کنیم و هم اینکه شأن و منزلت این گفت‌وگو به‌تمامی ادا شود. بشر از اولین حس‌های درونی خود، تجربه رازونیاز و مناجات با خدایی بزرگ و قادر را دارد و با هرچه بزرگ‌تر شدن و رویارویی با مسائل پیچیده‌تر، با الگوگیری از بزرگان و پیشوایان، عبادت‌ها و آداب رازونیاز را اموخته است. یکی از این افراد بزرگ برای آموختن که به تبحر در بلاغت و سخنوری مشهور بوده‌اند، حضرت امیر<sup>(ع)</sup> هستند. ایشان در نامه‌ها و خطبه‌های خود به‌تمامی این هنرمندی و عظمت بلاغت را نشان داده‌اند. برای آشنایی با رازونیازهای امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> و لذت بردن از مناجات ایشان، به شما کتاب «نیایش‌ها و ستایش‌های نهج‌البلاغه؛ حمد و ثنای الهی در کلام مولا امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup>» را پیشنهاد می‌کنیم.

این اثر را پیام صدربه و مرتضی سلمان نژاد تألیف کرده‌اند. همان‌طور که می‌دانید، نهج‌البلاغه، گزیده سخنان امام علی بن ابی‌طالب<sup>(ع)</sup> است که شریف‌رضی در رجب سال ۴۰۰ قمری آن را تدوین کرد. رضی، علت تدوین نهج‌البلاغه را پس از نوشتن کتابی در فضائل امیرمؤمنان<sup>(ع)</sup> با نام «خصائص‌الائمة»، به درخواست قشری از دوستان و اهل علم بیان می‌کند؛ تدوین کتابی که گزیده سخنان امام در زمینه‌ها و موضوعات گوناگون از خطبه‌ها، نامه‌ها، پندها و دانش زیستن را دربرداشته باشد. آن مردان فضل و دانش می‌دانستند که این سخنان، شگفتی‌های بلاغت و دردانه‌های فصاحت و گوهرهای ادب و کلمات پرغز و روشنگر دین و دنیاست و این مجموعه نفیس در هیچ کلام و کتابی یافت نمی‌شود. چون امیرمؤمنان -که درود خدا بر او باد- سرچشمه فصاحت و بلاغت است و از آن بزرگوار، گنج فرهنگ و ادب و قانون‌های آن پدید آید و هر سخنوری بر شیوه و روش آن حضرت ره‌پوید و هر واعظ شیرین سخن و رساگویی از او کمک گیرد. و درعین حال امام در این میدان، گوی سبقت را از دیگران روده است و اوست پیشتاز و دیگران وامانده، زیرا کلام آن حضرت، سخنی است که نور و نشانه خدایی دارد و از آن رنگ‌وبوی سخن نبوی تراود.



# شکر

شماره ۸۸  
شوال ۱۳۹۵  
شهریور ۱۳۹۵

شاهینارNEWS.IR

۱۴

↓

معارف

وهابیون با تخریب قبور ائمه<sup>(ع)</sup>، تمدن اسلامی را نشانه گرفتند

# در سوگ ویرانی بقیع

آئمه مستقیمی<sup>(ع)</sup> تقویم شیعی در کنار روزهای شادی که در خود ثبت کرده، داغ‌دار روزهایی است که دشمنان بر آن تحمیل کرده‌اند، مانند هشتم شوال، روزی که حرم مطهر ائمه بقیع<sup>(ع)</sup> به دستور وهابیان تخریب شد تا شیعه را دردمند قبور غریب و بی‌زائر ائمه مدفون در خود کند. به مناسبت فرارسیدن این روز و در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین امیرعلی حسنلو، استاد حوزه و مدیر گروه تاریخ و سیره مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه‌های علمیه، درباره چرایی و عواقب این جنایت گفت‌وگو کرده‌ایم.



حجت‌الاسلام والمسلمین حسنلو: وهابیت درحالی‌با تکریم و زیارت قبور بزرگان مخالفت می‌کند که بنابر تصریح آیات و روایات، زیارت قبور نه تنها بدعت نیست، بلکه از سنت و سیره پیامبر اسلام (ص) و اصحاب و تابعین ایشان بوده است و علما بر مشروعیت آن اجماع کرده‌اند



این اعتقاد باطل و موهوم چطور به تخریب بقیع و بارگاه ائمه<sup>(ع)</sup> مدفون در آن منجر شد؟

وهابیت با استناد به این اعتقاد موهوم و جعلی، در سال ۱۳۴۴ قمری هنگام محاصره شهر مدینه منوره ابتدا قبر حمزه<sup>(ع)</sup> و زیارتگاه آن را که خارج شهر مدینه بود، تخریب کردند. در آن زمان شایع شده بود که وهابیان به سوی گنبد قبر پیامبراکرم (ص) تیراندازی کرده‌اند و همه گنبدها و آرامگاه‌ها و مزارهای داخل شهر مدینه منوره و حومه آن را ویران کرده‌اند؛ ازجمله قبور ائمه بقیع که قبر عباس، عم رسول خدا<sup>(ص)</sup> هم جزو آن‌ها بود، همه صندوق‌ها و قفس‌هایی را که بر سر قبرها نهاده شده بود، برداشتند و جز یک سنگ به‌عنوان نشان قبر چیزی باقی نگذاشتند. اگر ترسی از عاقبت کار نداشتند، آرامگاه پیامبراکرم (ص) را هم تخریب می‌کردند. باوجود تعلق خاطر شدید مسلمانان به قبر پیامبراکرم (ص)، وهابیان آن را در ردیف بقیه قبور می‌دانستند و در فتواها و استدلال‌هایشان استثنایی برای پیامبراسلام (ص) و جز ایشان قائل نبودند و اگر نمی‌ترسیدند، دست به تخریب آن قبر مطهر هم می‌زدند. آن‌ها بهانه و عذر می‌آوردند که گنبد متعلق به مسجد و نه قبر پیامبراکرم (ص) است و مردم را از نزدیک شدن به قبر رسول خدا<sup>(ص)</sup> و اهل بیت<sup>(ع)</sup> منع کردند.

وهابیت درحالی‌با تکریم و زیارت قبور بزرگان مخالفت می‌کند که بنابر تصریح آیات و روایات، زیارت قبور نه تنها بدعت نیست، بلکه از سنت و سیره پیامبراسلام (ص) و اصحاب و تابعین ایشان بوده است و علما بر مشروعیت آن اجماع کرده‌اند؛ چنان‌که در بعضی روایات آمده است زیارت قبور آثار سازنده اخلاقی و تربیتی دارد و مایه زهد و بی‌اعتنایی انسان به دنیا می‌شود.

تخریب قبور ائمه<sup>(ع)</sup> در بقیع از نظر تمدنی چه عواقب و پیامدهای سوء و ناگواری داشت؟

این خشونت باعث شد دین اسلام به‌عنوان دینی خشن و مروج خشونت معرفی شود و هر نوع حرکت و تحولی رنگ شرک و دوگانه‌پرستی به خود بگیرد، تا جایی که حتی احترام انبیای الهی به شرک تعبیر شد! ایجاد تفرقه در میان مسلمانان و به‌راه‌افتادن جنگ‌های خونین نیز از دیگرعواقب منفی عقاید وهابیت است. همچنین است کشتار بی‌رحمانه مسلمانان اعم از شیعه و سنی در شورش‌های خونین و وحشیانه که خود را سلفی معرفی می‌کردند و داعش ازجمله آن‌ها بود.

ویرانگری تمدنی و معنوی و آثار تاریخی برجای مانده از صدر اسلام که گواهی بر بسیاری از حقایق تاریخی بود، دیگرتر سوء این جنایت بود. وهابیان در هشتم شوال اسناد بزرگ تاریخی را محو کردند و قصد و انگیزه اصلی آن‌ها نیز همین بود. این درحالی‌است که میراث تاریخی و آثار تمدنی یکی از جاذبه‌های گردشگری است و از منابع درآمد‌های فرهنگی کشورهای اسلامی محسوب می‌شود که غرب آرزوی آن را دارد.

آیا واقعا زیارت قبور بوسیدن ضریح مطهر حرم اهل بیت<sup>(ع)</sup> و شفاعت طلبیدن از آن‌ها شرک محسوب می‌شود؟

وهابیت در پاسخ به چرایی تخریب بقیع، آن را مقابله با شرک می‌داند! شرک یعنی کسی را هم‌ردیف خدا قرار دادن، درحالی‌که هیچ‌یک از ما در زیارت قبور چنین نگاهی نداریم، بلکه به دیده شفیع و واسطه به آن‌ها می‌تکریم و این آموزه‌ای قرآنی است. خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پرهیزکاری پیشه کنید و وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمایید و در راه او جهاد کنید. باشد که رستگار شوید». هیچ‌یک از ما شیعیان و اهل سنتی که به زیارت قبور و توسل و شفاعت اعتقاد داریم، پیامبراکرم (ص) و ائمه<sup>(ع)</sup> را هم‌ردیف خدا نمی‌دانیم و نگاهمان به آن حضرات<sup>(ع)</sup>، به دیده شفیع است.

علاوه بر این، در سراسر جهان برای افراد سرشناس قبه و بارگاهی وجود دارد و حتی در میان اهل تسنن هم این مرسوم است. چطور فقط عده‌ای مددود چنین عملی را شرک می‌دانند، درحالی‌که قرآن و روایات و نیز سیره نبوی، اهل بیت<sup>(ع)</sup> و حتی بزرگان صحابه خلاف آن را ثابت می‌کند.

چندر مشکلات امروز جهان اسلام ناشی از این نگاه‌های تند و افراطی و برداشت‌های ناروا از دین است؟

آنچه امروز در غرب آسیا و قلب امت اسلام و قبله نخست اسلام می‌گذرد و مردم مظلوم غزه را زیر بار ستم‌بارترین و تلخ‌ترین جنایات قرار داده است، از جنبه‌های مختلف با پدیده تکفیر ارتباط دارد و باید درباره‌اش تأمل شود. اگر امت اسلام وحدت و هم‌گرایی عمیق داشتند و به فرامین قرآن و رسول اعظم (ص) و وصی واقعی ایشان عمل می‌کردند، هرگز این مشکلات اندوه‌بار برای امت رخ نمی‌داد.

تکفیری‌ها با تفرقه و تکفیر و کشتار علما آرامش و امنیت را که مهم‌ترین زیربنای علم و آموزش است، از بین برده‌اند و از طرفی با آتش‌زدن مدارس و مراکز علمی و کتابخانه‌ها، منابع قدیمی و منحصربه‌فرد را از بین برده‌اند و با ایجاد جنگ و درگیری در سراسر جهان اسلام موجب تعطیلی و فترت جریان رشد و رونق و حیات علمی شده‌اند و این کارهایشان بستر عقب‌ماندگی جوامع اسلامی را فراهم کرده است.